

به نام خدا

بحران در آموزش شهرسازی در ایران

سخن مدیر مسئول

از آغاز برنامه‌ریزی شهری در ایران، تاکنون فرایند آموزش شهرسازی با فراز و فرودهایی روبرو بوده است و در سال‌های اخیر به دلیل رشد نهاد آموزشی در این امر و محدودیت‌های آموزشی، نوعی کلیشه‌های خشک و ایستای آموزشی در گرده‌برداری و کپی‌های ناشیانه و بدون تفکر و تعمق و فاقد نوپردازی و ایده‌یابی شکل گرفته است و بعضی از رشته‌ها نیز مدعی تصدی‌گری آن می‌باشند که در حال حاضر (۱۴۰۵) یک‌صد دانشکده به این امر مشغول‌اند و از سویی دیگر تولید مقاله‌ها و کتاب‌هایی است که از پختگی بالایی برای این روند برخوردار نبوده است.

از دیدگاه Paulo Freire، بسیاری از مشکلات آموزشی ریشه در ساختارهای اجتماعی و شیوه‌های سنتی آموزش دارند. او در کتاب مشهورش *Pedagogy of the Oppressed* به نقد نظام آموزشی رایج پرداخت. مهم‌ترین مشکلات آموزشی از نظر فریره عبارت‌اند از:

۱. آموزش بانکی (Banking Education): فریره معتقد بود که در آموزش سنتی، معلم اطلاعات را مانند پول در بانک در ذهن دانش‌آموز «واریز» می‌کند و دانش‌آموز صرفاً دریافت‌کننده منفعل است. این روش خلاقیت، تفکر انتقادی و مشارکت را محدود می‌کند.

۲. نبود گفت‌وگو و تعامل: در بسیاری از نظام‌های آموزشی، ارتباط یک‌طرفه است؛ معلم سخن می‌گوید و دانش‌آموز گوش می‌دهد. فریره بر گفت‌وگوی دوسویه و یادگیری مشترک تأکید داشت.

۳. سرکوب تفکر انتقادی: آموزش سنتی اغلب دانش‌آموزان را به حفظ کردن مطالب تشویق می‌کند، نه به پرسشگری و تحلیل. از نظر فریره، هدف آموزش باید پرورش آگاهی انتقادی باشد.

۴. بازتولید نابرابری‌های اجتماعی: فریره معتقد بود که نظام آموزشی گاهی به جای کاهش نابرابری‌ها، آنها را بازتولید می‌کند و به حفظ روابط قدرت موجود، کمک می‌کند.

۵. بی‌توجهی به تجربه‌های زیسته یادگیرندگان: او باور داشت که آموزش باید از واقعیت‌ها، نیازها و تجربه‌های زندگی دانش‌آموزان آغاز شود، نه صرفاً از محتوای از پیش تعیین‌شده.

۶. فقدان آگاهی‌بخشی (Conscientization): به نظر فریره، آموزش باید به افراد کمک کند شرایط اجتماعی و سیاسی خود را درک کنند و برای تغییر آن اقدام نمایند. بسیاری از نظام‌های آموزشی این نقش را ایفا نمی‌کنند. فریره به‌جای آموزش بانکی، آموزش مسئله‌محور (Problem-Posing Education) را پیشنهاد می‌کرد؛ روشی که در آن معلم و متعلم در یک فرایند گفت‌وگویی و مشارکتی، مسائل واقعی را بررسی می‌کنند، پرسش می‌پرسند و به درک عمیق‌تری از جهان می‌رسند. به‌طور خلاصه، از نظر فریره مشکل اصلی آموزش این است که اغلب به‌جای پرورش انسان‌های آگاه، خلاق و منتقد، به انتقال منفعلانه اطلاعات اکتفا می‌کند.

رشد و توسعه شهری در کشور و دگرگونی‌های زیستی که به دلیل تغییرات اجتماعی و فرهنگی و نیز تکنولوژیک رخ می‌دهد و با توجه به ورود هوش مصنوعی (A.I) شیوه‌های سنتی آموزش دیگر جوابگوی نیازهای این نسل نمی‌باشد. آموزش شهرسازی در ایران از آغاز تاکنون با چالش‌های گسترده و زیادی روبرو بوده است و در سال‌های اخیر با رشد کمی دانشکده‌های شهری و رشته‌های متصف به آن و ضعف حوزه‌های آموزش، تجدید و بازاندیشی در آن از ضرورت‌های اساسی است.

سخن مدیرمسئول | ج

آموزش شهرسازی در ایران با وجود گسترش رشته‌های دانشگاهی و افزایش تعداد دانشجویان، با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که بر کیفیت آموزش و توانمندی حرفه‌ای دانش‌آموختگان تأثیر می‌گذارد.

۱. فاصله میان آموزش نظری و واقعیت‌های شهری: یکی از مهم‌ترین مشکلات، غلبه مباحث نظری بر آموزش عملی است. بسیاری از دانشجویان با مفاهیم برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و مدیریت شهری آشنا می‌شوند، اما فرصت کافی برای کار میدانی، تحلیل پروژه‌های واقعی و همکاری با نهادهای شهری ندارند. در نتیجه، هنگام ورود به بازار کار با شکاف مهارتی مواجه می‌شوند.

۲. قدیمی بودن برخی سرفصل‌های آموزشی: تحولات جدیدی مانند شهر هوشمند، تاب‌آوری شهری، تغییرات اقلیمی، حکمرانی دیجیتال، داده‌های مکانی و تحلیل کلان‌داده‌ها در شهرسازی جهان اهمیت زیادی یافته‌اند، اما در برخی برنامه‌های آموزشی ایران هنوز جایگاه پررنگی ندارند. این موضوع باعث فاصله گرفتن آموزش از نیازهای روز شهرها می‌شود.

۳. ضعف ارتباط دانشگاه با مدیریت شهری: ارتباط میان دانشگاه‌ها، شهرداری‌ها و دستگاه‌های اجرایی محدود است. بسیاری از پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی به مسائل واقعی شهرها متصل نمی‌شوند و نتایج آن‌ها کمتر در تصمیم‌گیری‌های شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴. کمبود آموزش‌های میان‌رشته‌ای: شهرسازی ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و به دانش اقتصاد، جامعه‌شناسی، محیط‌زیست، حمل‌ونقل، حقوق شهری و فناوری اطلاعات نیازمند است. با این حال، در برخی برنامه‌های آموزشی تأکید کافی بر این پیوندهای میان‌رشته‌ای وجود ندارد و دانشجویان دید جامع نسبت به مسائل شهری پیدا نمی‌کنند.

۵. محدودیت در آموزش فناوری‌های نوین: استفاده از نرم‌افزارهای پیشرفته GIS، مدل‌سازی سه‌بعدی شهری، شبیه‌سازی سناریوهای توسعه و فناوری‌های واقعیت مجازی، هنوز در بسیاری از مراکز آموزشی به اندازه کافی رایج نیست. درحالی‌که پژوهش‌ها نشان می‌دهد فناوری‌های نوین آموزشی می‌توانند کیفیت یادگیری و تصمیم‌گیری فضایی را بهبود بخشند.

۶. افزایش تعداد دانش آموختگان و محدودیت بازار کار: در سال‌های اخیر ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته شهرسازی افزایش یافته است، اما بازار کار متناسب با آن رشد نکرده است. این مسئله موجب رقابت شدید میان دانش آموختگان و کاهش فرصت‌های شغلی تخصصی شده است.

۷. توجه ناکافی به مسائل بومی شهرهای ایران: بسیاری از الگوهای آموزشی از تجربیات کشورهای دیگر اقتباس شده‌اند، درحالی‌که شهرهای ایران با چالش‌های خاصی مانند: رشد نامتوازن شهری، ساخت‌وسازهای غیرمجاز، فرسودگی بافت‌های تاریخی، کمبود منابع آب و مسائل زیست‌محیطی روبه‌رو هستند. آموزش شهرسازی باید بیشتر بر حل این مسائل بومی متمرکز شود.

۸. کمبود مهارت‌های حرفه‌ای و مدیریتی: دانش آموختگان شهرسازی علاوه بر دانش فنی، به مهارت‌هایی مانند: مذاکره، مشارکت مردمی، مدیریت پروژه، نگارش گزارش‌های تخصصی و کار گروهی نیز نیاز دارند. این مهارت‌ها در بسیاری از دوره‌های آموزشی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

راهکارهای پیشنهادی

- بازنگری و به‌روزرسانی سرفصل‌های درسی.
- تقویت کارگاه‌های عملی و پروژه‌های میدانی.
- توسعه همکاری دانشگاه‌ها با شهرداری‌ها و سازمان‌های مرتبط.
- گسترش آموزش فناوری‌های نوین و تحلیل داده‌های شهری.
- افزایش رویکرد میان‌رشته‌ای در برنامه‌های آموزشی.
- توجه بیشتر به مسائل بومی و منطقه‌ای شهرهای ایران.
- تقویت مهارت‌های حرفه‌ای، مدیریتی و ارتباطی دانشجویان.